

پژوهش های

ایــــــران شنـــــــاسی

پـرســش و پــاســـخ

پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

مجموعه مقالات وبگاه ایران شنــاسی

هویت ملی،عناصر،عرفان،فرهنگ وموسیقی ایران

www.iranologi.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

سال های

۱۳۹۲-۱۳۸۶

نوشته ی دکترمحمودرضاافتخارزاده

******

هویت ملی،عناصر،عرفان،فرهنگ وموسیقی ایران

نگارش و نمایش نخست :۱۳۸۷/۱/۲۰خورشیدی

پرسش:

۱-عناصرهویت ملی و جها ن بینی برخا سته از آن ؟ آیا موسیقی و ادبیات وعرفان ایرانی را می توان در فضای برون از این ۱۴قرن داشت یا اصلا می توان تصور کرد ؟؟۲-آیا نوا ، نغمه ، نوروز ، گنبد آبی ، حافظ ، سعدی و گروه عارفان به نام و بی نام ایرانی را که در این۱۴قرن پدید آمده ، می توان در برون از این ۱۴قرن دید ؟؟ ۳-آیا فضا و محتوای دستگاه های موسیقی ملی ایران را می شود شنید ، لذت برد و در عین حال به میراث این ۱۴قرن حمله کرد ، دشنام داد ، دروغ گفت ؟! یعنی همین کاری را که قلی ننه جگرکی موسوم به حرامک مشیری می کند !!

****

پاسخ:

هویت ملی ، کلی منحصر به فردی است که اجزای آن لازم و ملزوم یکدیگرند به گونه ای که اگر یک جزء آن را برداریم ، آن کلی ، از کلیت می افتد . اجزای این کلی را متعالی ترین عناصر هویتی ، آیینی ، فرهنگی تاریخی تشکیل می دهند . این عناصر مقدس و متعالی عبارتند از : آیین ها ، اسطوره ها ، ودایع ، سنن وخاطره ی قومی که ساختار هویت ملی را می سازند . شناسه ی عمومی و نماد گویای این اجزاء زبان فارسی است که زبان شفاهی و کتبی عناصر هویت ملی و گزارنده ی ادبیات ، فرهنگ و تاریخ آن است . اقوام در این کلی منحصر بفرد ، هویت می یابند و سپس پسوند ایرانی می گیرند . درصد هویت ملی هر قومبه درصد جذب ،اُنس و وفاداری آن قوم به این کلی منحصر به فرد بستگی دارد . بدیهی است اقوامی که حتی در چارچوب جغرافیای طبیعی

ایران حضور دارند ولی از این کلی بریده اند یا در جغرافیای زبان فارسی قرار دارند ولی از این کلی که تجلی روح جمعی ملی است بریده اند ، بی گمان دچار بحران هویت اند . در روزگار پایانی ساسانی یکی از اقوامی که در چارچوب جغرافیای طبیعی و زبانی ایران می زیست بنا به دلایلی ازهویت ملی آن روزگار برید و تغییر هویت داد . از آن پس این قوم هرگز نتوانست در چارچوب هویت ملیجای گیرد و همواره یک قوم بیگانه تلقی شده و می شود . بنابراین جغرافیای طبیعی و زبان هموارهظرف است و هویت ملی که آن کلی منحصر به فرد باشد مظروف است . آنچه ظرف جغرافیایی و زبانی را گرامی و مقدس و محترم می سازد مظروف است . در آیین آریایی ، جغرافیا و زبان ظرف بود و آیین و فرهنگ مظروف . در یسنا ها و یشت ها می خوانیم : آن قلمروی گرامی و مقدس ستودنی است که اهورامزدا ، امشاسپندان ، ایزدان ، فرشتگان و دیگر عناصر مقدس آیینی حضور دارند . توران ، مازنی و ورن ، قوم و قبیله و سرزمین آریایی اهریمن زده بود ! چرا که در آنجا فروغ اهورامزدا نمی تافت و افراسیاب بدکار و نابکار مظهر این اهریمن بدخوی بود که در سراسر اوستا به ویژه یسناها و یشت ها نفرین شده است (ن.ک:فهرست آثار : ایران،آیین و فرهنگ. مقاله ی ملیت ایرانی)

در گذر هزاره ها ، هویت ملی ، ساختار روح متعالی جمعی قوم آریایی شد و جان مایه ی این روح متعالی ودایع و خاطره ی قومی گردید ، جان مایه ای که گذشته را به حال و حال را به آینده می پیوندد و بر این اساس ایجاد هویت می کند .

در پی یورش تازیان به ایران ، هویت ملی فعال شد و سرانجام ظرف مناسب مظروف خویش را یافت و آن را پرورد . و آنگونه که در کتاب «اسلام و ایران؛مذهب و ملیت ایرانی» گفته ام ، در این نقل و انتقال چیزی از قلم نیفتاد ، همه ی عناصر آیینی و اسطوره ای هویت ملی جایگاه خویش را بازیافتند و با گوهر و محتوایی ناب و نوین ، روح جمعی قومی را از نو ساختند و بدین سان«تشیع امامیه»جان مایه ی هویت ملی گردید (ن.ک: فهرست آثار : اسلام و ایران ؛ مذهب و ملیت ایرانی صص ۱۲۷ - ۱۳۰)

جهان بینی برخاسته از این هویت ملی را در فرآورده های فرهنگی آن باید دید . این جهان بینی متعالی در پنج اقلیم حضور خلاصه می شود : فردوسی ؛ قلمرو حضور حماسه پهلوانی و غرور ملی . خیام ؛ قلمرو حضور زیبایی و زیبا نگری زندگی دنیوی و غنیمت لحظه های حال . سعدی ؛ قلمرو حضور انسان خردمند پندآموز و بهره مند از آزمون ها . حافظ ؛ قلمرو حضور انسان عارف و آگاه و رند . مولوی ؛ قلمرو حضور انسان اندیشمند و فرهمند حاضر در همه حال .

بدین سان فضای این جهان بینی را پنج اقلیم حضور می سازند و این پنج اقلیم در همه ی زوایای روح ، محتوا و شکل هنر ایرانی حضور دارند . این جهان بینی متعالی ایرانی که در پنج اقلیم حضور خلاصه می شود خویش را در شکوه عرفان و ادبیات ومعماری ایرانی در کاشی و نقاشی و خطاطی آبی آسمانی گنبد ها ، گلدسته ها ، محراب ها،درشکوه گلستان قالی ایرانی و ... نشان می دهد.

این جهان بینی متعالی با پنج اقلیم حضورش در«هفت دستگاه موسیقی ملی» و آوازها وگوشه هایش متجلی است:

در «دستگاه شور» که در روح متعالی ایرانی شوری از حضور به پا می کند که گویی دستگاه رستاخیز روح و روان است . در دستگاه های گرانمایه و سر افراز« ماهور» و«راست پنج گاه» حضور دارد که تنها با سر پنجه و صدای مفاخر موسیقی ملی در روح و روان ایرانی ایجاد شور و حال می کند . در نوای «سه گاه» حضور دارد که رامش بخش است و راز و رمز خلوتگه عرفان ایرانی را در خود دارد و هم بزم آفرین لحظه های شور و شادی و طرب است . هم به خلسه ی خیال می برد و هم به رقص روح و روان و پیچ و تاب تن وا می دارد . در «چهار گاه» حضور دارد که توده ای ترین دستگاه موسیقی ملی است و همه ی ابعاد روح و روان اقوام ایرانی را در بر دارد ، هم آهنگ پیچ و تاب تن را دارد و در شادی ها حضور می یابد و هم موسیقی حماسی شاهنامه خوانی و تعزیه خوانی است . در صدای فاخر و متعالی«دستگاه نوا»حضور دارد که تعالی روح و گرانمایگی روان ایرانی را نمایندگی می کند و هماره در عرصه ی رزم و بزم و سوگ حضور دارد . در «دستگاه همایون» حضور دارد که آوای بزم اقوام ایرانی را در خود دارد . در آواز «بیات اصفهان» حضور دارد که جایگاه حماسه خوانی است . در آواز«ابوعطا» حضور دارد که با آن بزم عارفانه و عامیانه ی ایرانی را می توان شنید . در آواز«بیات ترک» حضور دارد که آوای ملکوتی اذان ایرانی را با صدای دل انگیز و جاودانه ی مرحوم «موذن زاده ی اردبیلی» می توان شنید . آن سان که آوای بزم عامیانه و اشرافی ایرانی را در این آواز می توان شنید . در آواز افشاری حضور دارد که نغمه های آسمانی و نیایش های باشکوه ایرانی را چون نیایش افطار ایرانی با صدای جاودانه ی «استاد شجریان» می توان شنید . در آواز دشتی حضور دارد که آوای روح سوگوار ایرانی و زبان حال ترانه های اقوام ایرانی را در بزم و رزم و حماسه و غم نمایندگی می کند .

بنابراین ، خواننده ی مخالف یا ایرانی افسرده از روزگار ، به خاطر زدگی از واقعیت تلخ ،از حقیقت شیرین نگریزد وبداند که این رو و آن روی سکه ناشی از طبیعت خام و سخت ایرانی است.



اَلـدِّراســاتُ الايــرانيِّـــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَـــة

حَوْلَ خَلْفيّةِ ايرانَ اَلتّاريخيّة والثّقافيّة والْحضاريّة

للباحث و الكاتب الايرانى

الدكتورمحمودرضاافتخارزاده

****

IRANOLOGY

QUESTION & ANSWER

About historical , cultural & civilizational background of Iran

www.iranologi.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

BY

DR.M.R.EFTEKHARZADEH